

وضعیت فعلی و چشم‌انداز انرژی رژیم اشغالگر قدس با رویکرد امنیت انرژی

محمد جعفری^۱

چکیده

رژیم اشغالگر پیش از اکتشاف میادین گازی تامار و لویاتان بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ در آب‌های عمیق دریای مدیترانه، به میزان قابل توجهی وابسته به واردات انرژی بود. هرچند وابستگی به واردات نفت کماکان ادامه دارد، اما افزایش تولید گاز طبیعی در این رژیم، قدرت مانور این رژیم در عرصه انرژی را از طریق تأمین سوخت مورد نیاز صنایع و نیروگاه‌ها و ایجاد ظرفیت صادرات گاز، به میزان قابل توجهی افزایش داده است. دیپلماسی انرژی با محوریت صادرات گاز این رژیم نیز ضمن تضمین امنیت انرژی، تلاشی در جهت گره‌زدن منافع سایر کشورها به‌ویژه کشورهای همسایه خود با منافع رژیم اشغالگر است تا خطر تهدید موجودیت رژیم اشغالگر را بین شرکای خود به اشتراک بگذارد. تلاش این رژیم برای خروج از انزوای سیاسی به‌دنبال توسعه فعالیت‌ها و دیپلماسی بر پایه روابط انرژی با کشورهای منطقه مدیترانه شرقی و ناحیه خزر، باعث کاهش امنیت صادرات گاز جمهوری اسلامی - به‌ویژه پس از سال ۲۰۲۵ همزمان با اتمام دوره قرارداد صادرات گاز کشورمان به ترکیه - و نیز کاهش گسترش نفوذ و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی در مناطق مذکور خواهد شد. در این راستا، تعمیق روابط مبتنی بر انرژی با کشورهای همجوار به‌منظور کاهش نفوذ رژیم اشغالگر در کشورهای منطقه و نیز احیا و افزایش استفاده مؤثر از ظرفیت سوآپ انرژی به‌ویژه از منطقه خزر می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.

واژگان کلیدی: امنیت انرژی، رژیم اشغالگر قدس، اکتشاف میادین گازی، دیپلماسی انرژی.

مقدمه

جبران کند. این رژیم در تلاش است تا قدرت‌های بزرگ در دیپلماسی انرژی را با شبکه‌های پیچیده به‌خود متصل کند تا تهدیدات مطرح‌شده در مورد موجودیت خود را با دیگران تقسیم نمایند. رژیم اشغالگر با دنبال کردن سیاست گازی‌سازی صنایع و بخش حمل‌ونقل، خواهان افزایش ضریب امنیت عرضه انرژی خود است. برنامه‌ریزی رژیم اشغالگر در زمینه توسعه میادین گازی و صادرات گاز به‌گونه‌ای است که این رژیم بعد از ایران

آسیب‌پذیری رژیم اشغالگر قدس از جهت وابستگی تاریخی به واردات انرژی موجب شده است تا برنامه‌ریزی وسیعی در راستای ارتقای امنیت عرضه و تقاضای انرژی خود در پیش گیرد. این مناسبات و برنامه‌های پیش‌رو به این رژیم کمک می‌کند تا اولاً امنیت خود را با سایر کشورها پیوند زند و ثانیاً در قالب صادرات انرژی، انزوای سیاسی و منطقه‌ای خود را

۱-۱. تصویر کلان انرژی در رژیم اشغالگر

برای ارائه تصویری کلان از وضعیت انرژی در رژیم اشغالگر، روند تولید و مصرف انرژی رژیم اشغالگر در نمودار (۱) به تصویر کشیده شده است. بر این اساس، مصرف انرژی این رژیم به میزان قابل توجهی از تولید انرژی بالاتر است که نشان‌دهنده نیاز وارداتی انرژی این کشور است. نکته مهم دیگر این‌که، میزان تولید انرژی رژیم اشغالگر به میزان قابل توجهی از سال ۲۰۱۲ افزایش داشته است که به‌طور عمده به‌دلیل تولید گاز در این رژیم بوده است. روند افزایشی تولید انرژی موجب کاهش نیاز به واردات انرژی این رژیم طی سال‌های اخیر شده است. همان‌طور که در ادامه به تفصیل بیشتر بیان خواهد شد، بخش عمده‌ای از تولید انرژی این کشور به گاز طبیعی اختصاص دارد، به‌نحوی که از ۰/۳۹ کووادریلیون BTU تولید انرژی این رژیم در سال ۲۰۱۸، ۰/۳۷۷ آن به گاز طبیعی تعلق دارد.

پیش‌بینی می‌شود تولید گاز با یک روند صعودی از حدود ۰۰۴ میلیارد فوت مکعب در سال ۹۱۰۲ به بیش از ۰۰۲۱ میلیارد فوت مکعب در سال ۹۲۰۲ برسد که افزایش ۰۰۳ درصدی تولید گاز در این رژیم محسوب می‌شود.

و روسیه، به‌عنوان سومین قدرت گازی منطقه شناخته شود. هرچند برنامه‌های انرژی این رژیم تا حدی خوش‌بینانه به‌نظر می‌رسد، اما این رژیم بر اساس برنامه‌های بلندمدت خود تلاش دارد بخشی از ظرفیت میادین گازی تامار^۱ و لویاتان^۲ را به صادرات اختصاص دهد. این رژیم که طی سال‌های متمادی یکی از واردکنندگان انرژی و از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان گاز طبیعی در حوزه مدیترانه به‌شمار رفته است، سعی دارد با توسعه میادین گازی تازه کشف شده خود، اندک‌اندک به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان گاز دنیا تبدیل شود. در همین راستا، رژیم صهیونیستی به افزایش دیپلماسی انرژی خویش در منطقه مبادرت کرده است. بررسی وضعیت کنونی و چشم‌انداز آتی حوزه انرژی این رژیم باتوجه به کنش‌گری آن در منطقه می‌تواند برای تحلیل‌گران و تصمیم‌گیران حوزه انرژی کشورمان حائز اهمیت فراوان باشد.

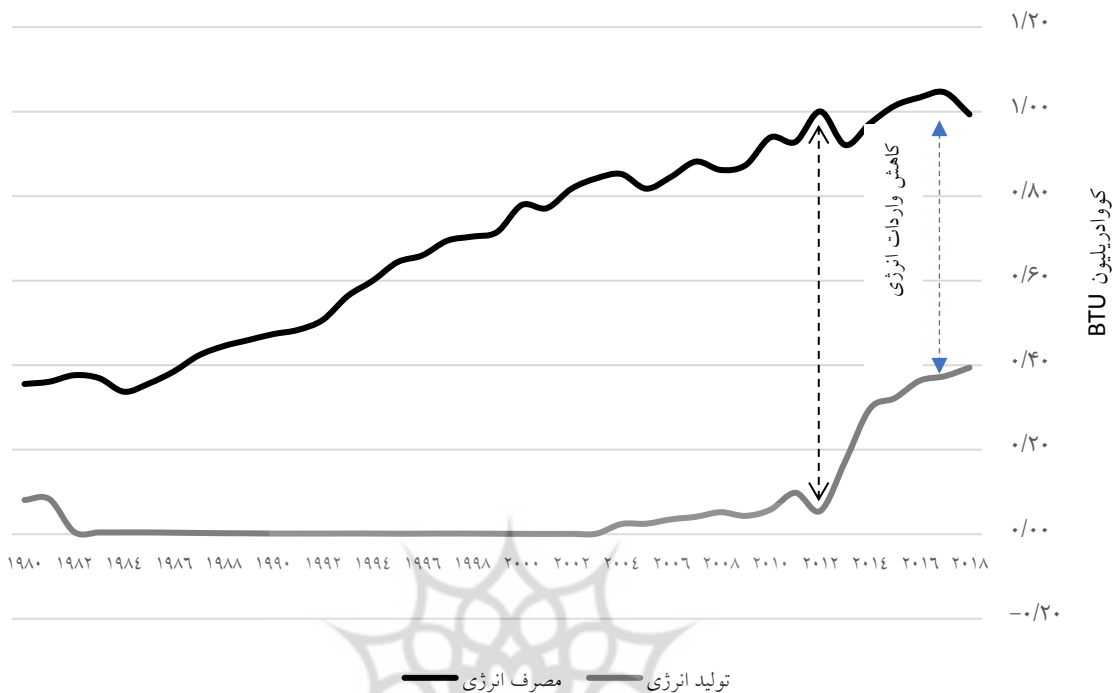
چارچوب گزارش بدین‌صورت است که در بخش دوم به بررسی وضعیت فعلی انرژی رژیم اشغالگر پرداخته می‌شود. بخش سوم به ترسیم چشم‌انداز آتی بخش انرژی رژیم اشغالگر می‌پردازد. بخش چهارم به ملاحظات امنیت اقتصادی اختصاص دارد. در بخش پنجم به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از گزارش پرداخته می‌شود.

۱. بررسی وضعیت فعلی انرژی در رژیم اشغالگر

در این بخش وضعیت انرژی در رژیم اشغالگر از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. Tamar
2. Leviathan

نمودار ۱: روند تولید و مصرف انرژی



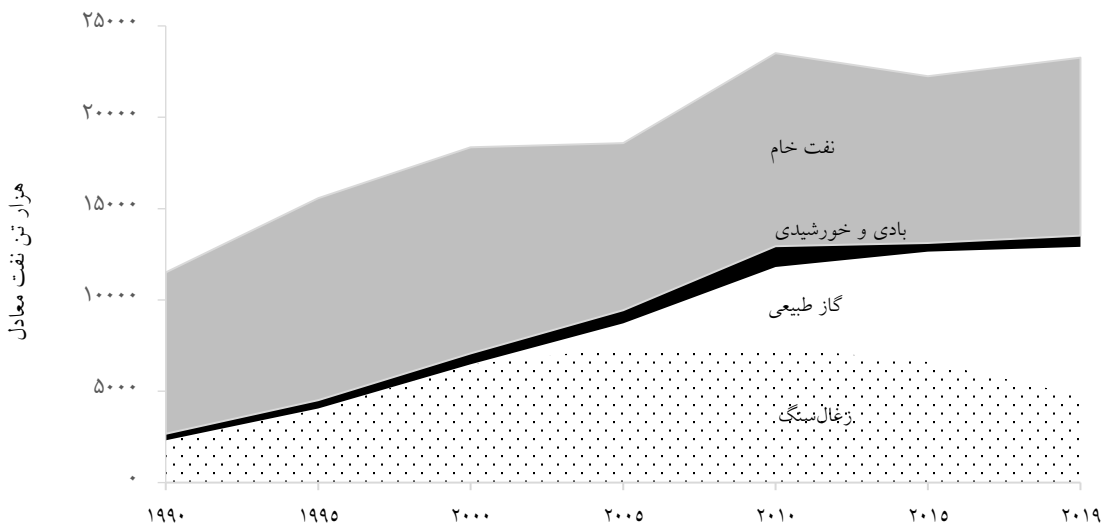
مأخذ: EIA, 2020

است. عمده مصرف زغال‌سنگ در رژیم اشغالگر مربوط به نیروگاه‌ها است که پیش‌بینی می‌شود در سال‌های آینده با جایگزینی گاز طبیعی به‌عنوان سوخت اصلی نیروگاه‌ها، سهم زغال‌سنگ در سبد عرضه انرژی اولیه کم شود.

رژیم صهیونیستی به‌دنبال پروژه احداث خط لوله زیر آبی خود با ترکیه است تا از این طریق بتواند خط لوله جیحان را به بندر اشکلون برساند و از آنجا از طریق شبکه خط لوله اصلی، به دریای سرخ متصل شده و از طریق بندر ایلات در صادرات انرژی دریای خزر به اروپا نقش کلیدی ایفا کند.

بررسی ترکیب سبد مصرف انرژی رژیم اشغالگر نشان می‌دهد که: (۱) سبد مصرف انرژی رژیم اشغالگر بیشترین وابستگی را به ترتیب به سوخت‌های نفت خام، گاز طبیعی و زغال‌سنگ دارد. و (۲) سهم گاز طبیعی در سبد مصرف انرژی این کشور به‌دلیل تولید چشمگیر این حامل انرژی به‌سرعت در حال افزایش است. در میان حامل‌های انرژی مختلف، نفت بیشترین سهم را در عرضه انرژی اولیه رژیم اشغالگر دارد. رژیم اشغالگر به‌دلیل تأمین نیاز پالایشگاه‌های خود نیاز به واردات نفت دارد که همین امر موجب بالا رفتن سهم نفت در سبد عرضه انرژی اولیه این کشور شده است. با کشف میادین گازی، سهم گاز طبیعی در سبد عرضه انرژی رژیم اشغالگر رو به افزایش

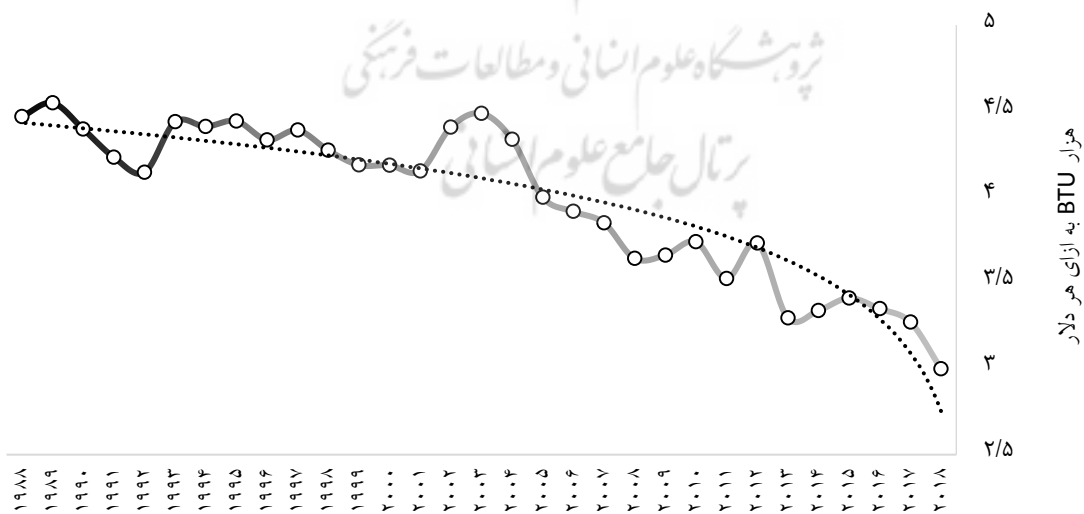
نمودار ۲: ترکیب سبد مصرف انرژی



مأخذ: EIA, 2020

یکی از روندهای قابل تأمل در بررسی وضعیت انرژی رژیم اشغالگر، کاهش قابل توجه شدت انرژی^۱ در این رژیم طی چند دهه اخیر است. کاهش شدت انرژی به معنای افزایش کارایی عامل انرژی در اقتصاد است. به تعبیر بهتر، طی چند دهه اخیر، استفاده از انرژی در این رژیم به میزان قابل توجهی کاراتر شده است که این تغییر روند، امکان مدیریت مصارف انرژی را برای این رژیم به نحو مطلوب‌تری فراهم کرده است.

نمودار ۳: روند شدت انرژی در رژیم اشغالگر



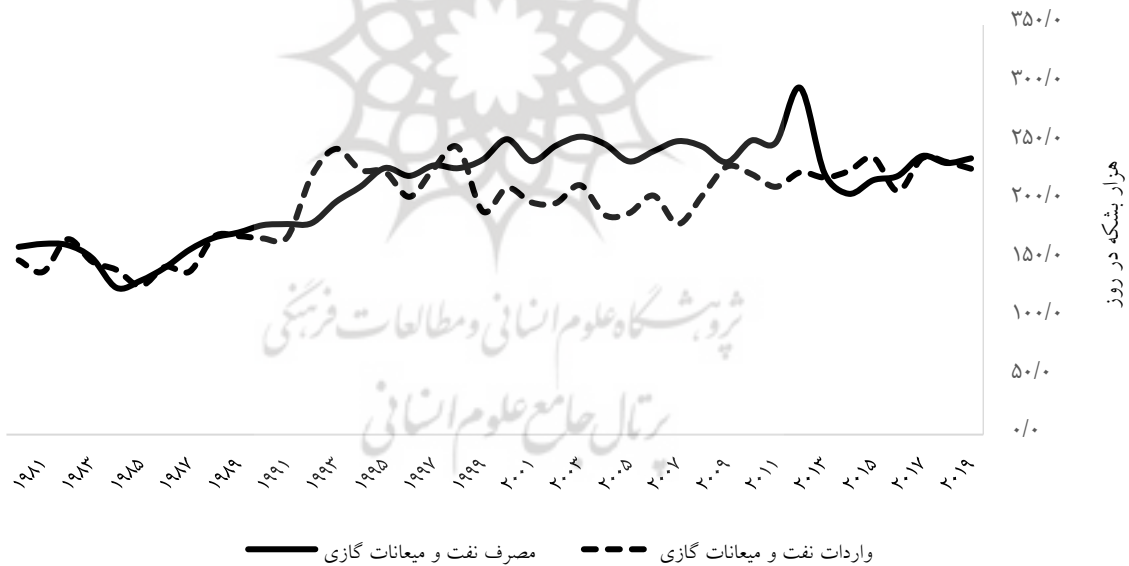
مأخذ: EIA, 2020

۱. این شاخص به‌طور ساده نشان می‌دهد، برای ایجاد هر دلار تولید ناخالص داخلی به چه میزان انرژی مصرف می‌شود.

در روز دارند. پالایشگاه حیفا^۱ دارای ظرفیت ۱۹۷ هزار بشکه نفت خام در روز و ظرفیت پالایشگاه اشدود^۲ بعد از ارتقایی که در سال ۲۰۱۳ داشته است، ۰/۵ میلیون تن در سال افزایش یافته و به ۱۰۰ هزار بشکه نفت خام در روز رسیده است. این رژیم در سال ۲۰۰۷ پالایشگاه حیفا را با سرمایه‌گذاری یک میلیارد دلاری مطابق یک برنامه ۵ ساله ارتقا بخشیده است. این برنامه درجه پیچیدگی پالایشگاه را از ۷/۴ به ۹ رسانده است. در این برنامه واحد هیدروکراکر^۳ با ظرفیت ۲۵ هزار بشکه در روز ایجاد شده است.

۲-۱. تولید، مصرف و واردات نفت و میعانات گازی رژیم اشغالگر
رژیم اشغالگر تقریباً هیچ‌گونه تولیدی در زمینه نفت خام و میعانات ندارد و نیاز حدود ۲۳۰ هزار بشکه‌ای خود را از طریق واردات تأمین می‌کند. این رژیم با دنبال کردن برنامه گازی‌سازی صنایع درصدد کاهش مصرف نفت و به تبع آن واردات نفت خام است. پیش‌بینی می‌شود مصرف نفت در بخش حمل‌ونقل این رژیم در سال ۲۰۲۵ تا ۶۰ درصد کاهش یابد. رژیم اشغالگر دو پالایشگاه نفت دارد که در مجموع ظرفیتی معادل با ۳۰۰ هزار بشکه نفت خام

نمودار ۴: روند مصرف و واردات نفت و میعانات گازی رژیم اشغالگر



مأخذ: EIA, 2020.

مصرف گاز طبیعی رژیم اشغالگر را به‌خود اختصاص می‌دهند. گاز به‌عنوان سوخت در سه نیروگاه برق ری‌دینگ (شمال تل‌آویو)، اشکول (نزدیک اشدود) و

۳-۱. تولید و مصرف گاز رژیم اشغالگر
تولید گاز رژیم اشغالگر در سال ۲۰۱۸، ۳۶۶ میلیارد فوت مکعب بوده که نیروگاه‌های برق بیشترین سهم

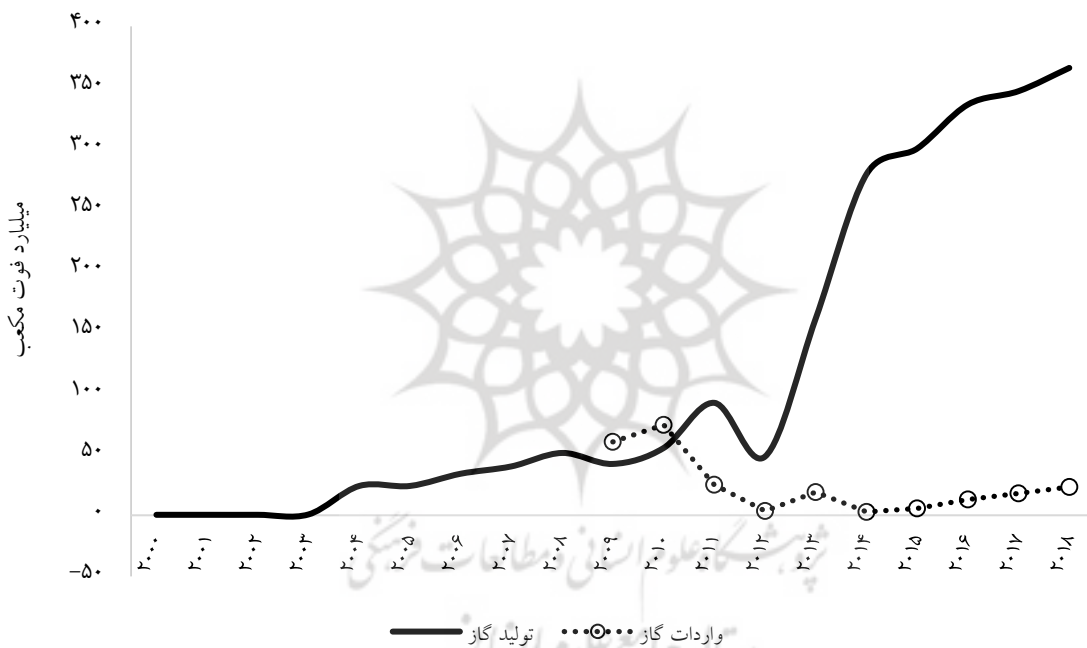


1. Haifa
2. Ashdod
3. Hydrocracker

(LNG) انجام می‌شود. با تکیه بر تولیدات میدان تامار، این رژیم درصدد تبدیل شدن به یک صادرکننده گاز در سال‌های نزدیک است. در سال‌های اخیر رژیم اشغالگر توسعه پایانه‌های (LNG) را در دستور کار خود قرار داده است. هدف اصلی رژیم صهیونیستی از واردات (LNG) افزایش ضریب امنیت انرژی و کاهش ریسک تولید برق عنوان شده است.

حیفا استفاده می‌شود. افزایش چشمگیر تولید گاز در این رژیم، نیاز به واردات گاز را تا حد قابل توجهی کاهش داده است. این افزایش با آغاز بهره‌برداری از میدان گازی لویاتان و راه‌اندازی سیستم فشرده‌سازی گاز از میدان تامار محقق شده است. گاز وارداتی رژیم اشغالگر از طریق خط لوله العریش - اشکلون^۱ از میادین گازی مصر و مقدار کمی گاز به صورت

نمودار ۵: روند تولید و واردات گاز



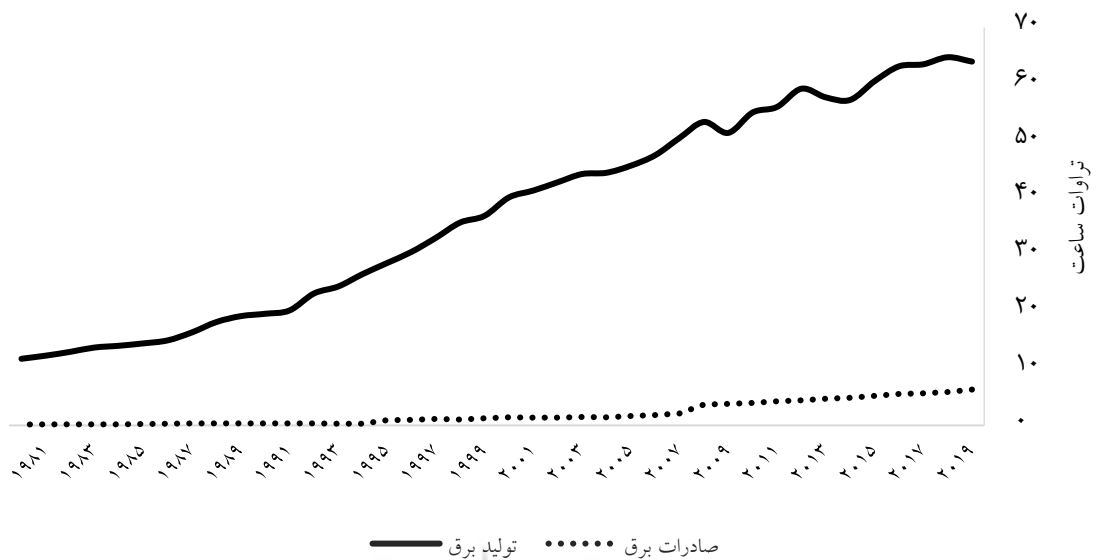
مأخذ: EIA, 2020.

سال ۲۰۱۹ رسیده است. این افزایش تولید برق نیز مرهون افزایش چشمگیر تولید گاز بوده است. افزایش تولید برق، ظرفیت صادراتی برق را برای این رژیم فراهم نموده است. در سال ۲۰۱۹، ۶/۳ تراوات ساعت برق از این رژیم به کشورهای همجوار صادر شده است.

۴-۱. تولید و صادرات برق رژیم اشغالگر در نمودار (۶) روند تولید و صادرات برق به تصویر کشیده شده است. ظرفیت تولید برق رژیم اشغالگر از سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۱۹ رشد چشمگیری داشته، به طوری که از ۲۰/۲ تراوات ساعت در سال ۱۹۹۱ به ۶۴ تراوات ساعت در

1. Al Arish-Ashkelon pipeline

نمودار ۶: روند تولید و صادرات برق



مأخذ: EIA, 2020.

۵-۱. دیپلماسی انرژی رژیم اشغالگر

ج: اوراسیا با محوریت روسیه، قزاقستان و

جمهوری آذربایجان.

از دیدگاه رژیم صهیونیستی روابط این کشور با همسایگان بسیار حائز اهمیت است. این رژیم درصدد ایجاد سرنوشت مشترک میان خود و کشورهای پیرامونی و گره‌زدن منافع با این کشورها است تا به‌صورت ضمنی هم‌پیمانان خود در منطقه را افزایش دهد.

لذا با توجه به بی‌ثباتی سیاسی در مصر که باعث شده رژیم صهیونیستی بزرگ‌ترین منبع تأمین‌کننده انرژی خود را تا حدودی از دست بدهد یا امکان سرمایه‌گذاری بلندمدت در آن با تردید مواجه شود، قطر در طراحی ظرفیت‌های اقتصادی خویش تلاش خواهد کرد تا با صدور گاز به تل‌آویو بیش از پیش در منطقه خودنمایی کند. لذا به‌نظر می‌رسد قطر گزینه بعدی تأمین‌کننده گاز طبیعی رژیم صهیونیستی است. البته بعد از اکتشاف میداین تمار و لویاتان احتمال واردات گاز رژیم اشغالگر

رژیم صهیونیستی در چارچوب دیپلماسی انرژی خویش به دنبال تحقق چند هدف مهم است. امنیت داخلی در کنار فقدان منابع انرژی و پیدا کردن بازار برای گاز طبیعی مازاد سه عامل بسیار مهم است که موتور دیپلماسی انرژی رژیم صهیونیستی را به حرکت در آورده است. این رژیم تلاش دارد با برقراری ارتباط با کشورهای نفت‌خیز نظیر آذربایجان و کشورهای همسایه خود نظیر ترکیه، اردن، یونان و قبرس به اهداف و مقاصد منطقه‌ای خود دست پیدا کند. این رژیم برای رفع نیازهای نفتی و فروش گاز طبیعی خود هم‌زمان در سه منطقه به رایزنی برای تأمین انرژی خود پرداخته است:

الف: غرب آسیا (خاورمیانه) با محوریت کشور قطر و امارات متحده عربی.

ب: منطقه مدیترانه با محوریت ترکیه، قبرس و یونان.

رژیم اشغالگر سعی می‌کند در خلال اکتشافات گازی، سیاستی را دنبال کند که در دسترس بودن مقادیر کافی از ذخائر گاز طبیعی را برای آینده تضمین نماید. این سیاست، جزئی از سیاست امنیتی سنتی رژیم اشغالگر است که در خلال آن تلاش دارد با هر وسیله ممکن برای کاهش وابستگی نسبت به واردات انرژی از کشورهای عربی همسایه خودکفا شود. رژیم اشغالگر در حال حاضر، بازسازی نیروگاه برق را برای استفاده از گاز طبیعی به جای زغال سنگ شروع کرده است. دولت رژیم اشغالگر همچنین به تشکیل کمیته بررسی نیازهای انرژی اقدام کرده و پس از بحث و بررسی بسیار تصمیم گرفته است با افزایش مقدار صادرات از ذخائر گازی تا ۴۰ درصد موافقت کند. هدف اصلی این سیاست، دستیابی به ذخائر کافی گاز برای آینده و عدم وابستگی به گاز وارداتی است؛ اما شرکت‌های عامل به دلیل این که این تصمیم، سود آن‌ها را کاهش می‌دهد، با آن مخالفت کردند زیرا بخش اعظم سود این شرکت‌ها نه تنها در فروش بازارهای داخلی بلکه در صادرات و طرح‌های صادراتی است؛ با توجه به این که قیمت‌ها در بازارهای محلی نسبت به قیمت‌های جهانی پایین‌تر است.

رژیم اشغالگر با این فرض، این تصمیم را اتخاذ کرده است که ذخائر گازی کشف شده، برای تولید ۷۰ درصد از برق مورد نیاز کافی خواهد بود. این در حالی است که هم‌اکنون زغال سنگ می‌تواند تنها ۳۵ درصد انرژی برق را تولید کند و در مقابل ۴۵ درصد از برق تولیدی

از قطر به حداقل رسیده است. علاوه بر این، این رژیم به دنبال سیاست عادی‌سازی با کشورهای عرب منطقه از جمله امارات متحده عربی در سال ۲۰۲۰، مبادرت به «تدوین استراتژی مشترک در زمینه انرژی که منجر به نوآوری و شکوفایی بیشتر می‌شود»، پرداخته است که هماهنگی بیشتر را در زمینه‌هایی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، بهره‌وری انرژی، نفت، منابع گاز طبیعی و فناوری‌های نمک‌زدایی (شیرین‌سازی آب) دنبال می‌کند. دیپلماسی انرژی رژیم صهیونیستی در محیط اوراسیا تقویت پیوندهای اقتصادی و سیاسی با کشورهای این منطقه را دنبال می‌کند. بنابراین رژیم اشغالگر در روسیه به عنوان مهم‌ترین کشور منطقه اوراسیا، به دنبال جذب سرمایه و جلب مشارکت روس‌ها در تأسیسات گاز این رژیم و تأمین امنیت انرژی سرزمین‌های اشغالی است. محیط منطقه‌ای نزدیک سرزمین‌های اشغالی شامل کشورهای اروپای جنوب شرقی از جمله یونان، قبرس، ترکیه و کشورهای حاشیه دریای مدیترانه می‌شود.

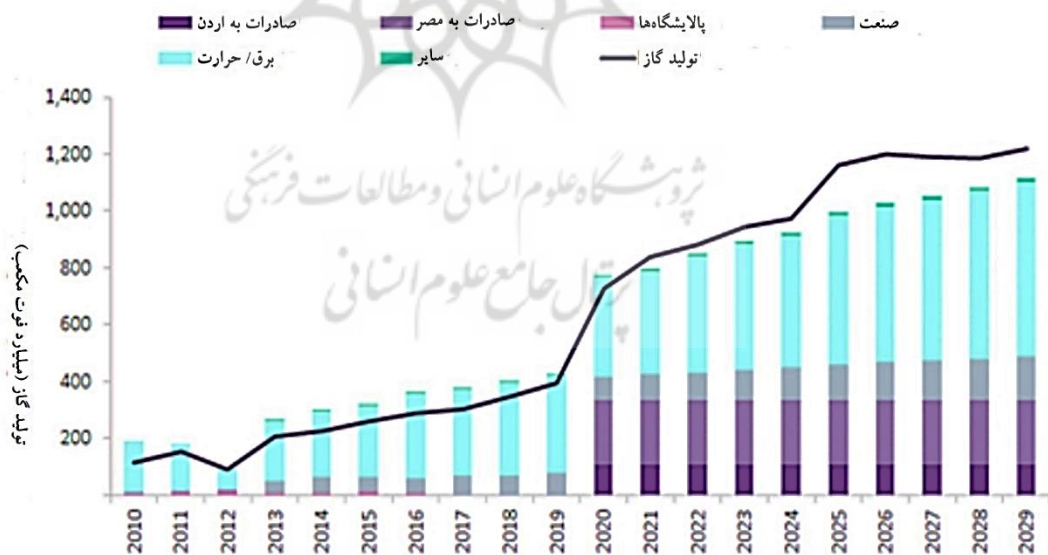
گذار رژیم اشغالگر از واردکننده گاز به صادرکننده آن باعث شده در سال‌های اخیر قراردادهایی در این زمینه میان رژیم اشغالگر و سایر کشورها منعقد شود. رژیم اشغالگر در زمینه انتقال گاز با کشورهای مصر، ترکیه، یونان و قبرس تفاهم‌نامه‌هایی امضا کرده است. در ژوئن ۲۰۱۳، کابینه رژیم اشغالگر برنامه‌ای که مطابق آن ۴۰ درصد از منابع گازی صادر می‌گردند را تأیید کرد. علی‌رغم صادرات ۴۰ درصدی، تقاضای گاز طبیعی مورد نیاز رژیم اشغالگر به مدت ۲۵ سال تأمین می‌گردد.

۲. چشم‌انداز آتی بخش انرژی رژیم اشغالگر

همان‌گونه که در بخش قبل مورد بررسی قرار گرفت، افزایش قابل‌توجه تولید گاز در چند سال اخیر به همراه چشم‌انداز آتی تولید گاز، قدرت مانور این رژیم را در سیاست‌گذاری انرژی به نحو چشمگیری تغییر داده است. در نمودار (۷) چشم‌انداز تولید گاز این رژیم در سال ۲۰۲۹ به تصویر کشیده شده است. پیش‌بینی می‌شود تولید گاز با یک روند صعودی از حدود ۴۰۰ میلیارد فوت مکعب در سال ۲۰۱۹ به بیش از ۱۲۰۰ میلیارد فوت مکعب در سال ۲۰۲۹ برسد که افزایش ۳۰۰ درصدی تولید گاز در این رژیم محسوب می‌شود. بیشترین پیش‌بینی مصرف گاز نیز به ترتیب به تولید برق/حرارت، صادرات به مصر و مصارف صنعتی اختصاص خواهد داشت.

از طریق به‌کارگیری گاز تأمین می‌شود؛ اما استفاده از گاز تنها برای تولید برق نیست بلکه شرکت‌های صنعتی، درخواست گاز برای راه‌اندازی نزدیک به ۴۰۰ کارخانه را دارند. علاوه بر آن این رژیم درصدد برنامه‌ریزی برای استفاده بیشتر از برق در حمل‌ونقل و انتقال مستقیم برق به منازل است که این امر در آینده، نیازمند گاز بیشتری است. علاوه بر آنچه که ذکر شد برخی از سازمان‌های دولتی، صندوقی حمایتی برای گاز تأسیس کردند که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۷، ۷۵ میلیارد دلار در آن ذخیره شود و همچنین سهم بودجه عمومی در آن تا سال مذکور، ۵۵ میلیارد دلار خواهد بود.

نمودار ۷: پیش‌بینی تولید و تفکیک مصارف گاز طبیعی در رژیم اشغالگر



مأخذ: BMI, Israel Oil and Gas Report, 2020.

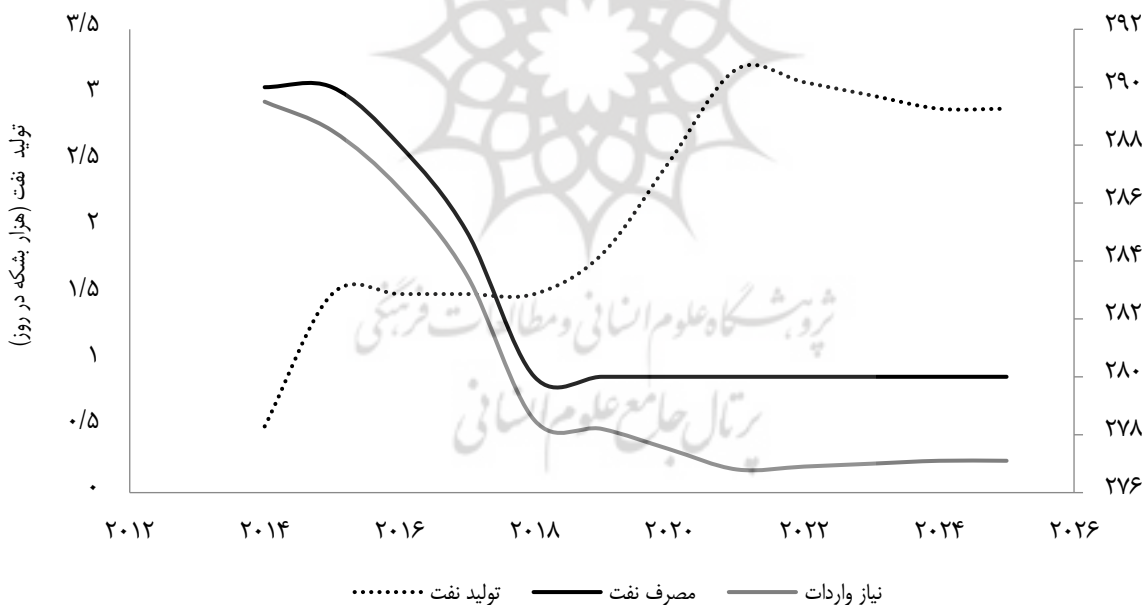
۲۵ سال اخیر نفت رژیم اشغالگر از طریق واردات از کشورهای آنگولا، کلمبیا، مکزیک، مصر و نروژ تأمین شده است. از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ بیشتر نفت

رژیم اشغالگر به دلیل روابط ضعیف منطقه‌ای، هنوز موفق به احداث خط لوله برای انتقال نفت از طریق کشورهای همسایه خود نشده است. در طی

بهره‌برداری از این خط لوله هم‌اکنون بالغ بر ۲۰ درصد واردات نفت رژیم صهیونیستی از طریق این خط تأمین می‌شود. علاوه بر این رژیم صهیونیستی به‌دنبال پروژه احداث خط لوله زیر آبی خود با ترکیه است تا از این طریق بتواند خط لوله جیحان را به بندر اشکلون برساند و از آنجا از طریق شبکه خط لوله اصلی، به دریای سرخ متصل شده و از طریق بندر ایلات در صادرات انرژی دریای خزر به اروپا نقش کلیدی ایفا کند. نمودار (۸) میزان نیاز به واردات نفت خام در رژیم اشغالگر را نشان می‌دهد.

مورد نیاز رژیم اشغالگر توسط روسیه، آذربایجان و قزاقستان تأمین شده است. ارزش واردات نفت تل‌آویو از قزاقستان بالغ بر ۱/۴ میلیارد دلار می‌شود. خط لوله‌ای که از قزاقستان به بندر نوروسیوک روسیه در دریای سیاه متصل می‌شود، نفت مذکور را به این بندر انتقال داده و از آنجا با کشتی نفت را به بندر حیفا در سرزمین‌های اشغالی منتقل می‌کند. رژیم صهیونیستی بعد از ایتالیا دومین مشتری نفت آذربایجان است. احداث خط لوله باکو - جیحان نقطه‌عطفی در واردات نفت رژیم اشغالگر از آذربایجان محسوب می‌شود. با

نمودار ۸: روند تولید، مصرف و نیاز به واردات نفت در رژیم اشغالگر



مأخذ: BMI, Israel oil and gas report

رام‌الله اشاره کرد. رژیم صهیونیستی روزانه ۸۰۰ بشکه نفت از این میدان استخراج می‌کند و در مقابل، تشکیلات خودگردان فلسطین هیچ سهمی از آن ندارد.

کردستان عراق در حال حاضر با تأمین ۷۵ درصد نیاز وارداتی رژیم اشغالگر، اولین تأمین‌کننده نفت این رژیم به‌شمار می‌رود. در میان منابع داخلی نفت در رژیم اشغالگر می‌توان به منطقه رنتیس در غرب

۳. ملاحظات امنیت اقتصادی

کشف و بهره‌برداری از میداین گازی تمار و لویاتان در آب‌های عمیق دریای مدیترانه، قدرت مانور این رژیم را در عرصه انرژی به میزان قابل توجهی افزایش داده است. بخش عمده‌ای از نیروگاه‌های برق این رژیم از زغال‌سنگ به گاز تغییر سوخت داده‌اند و این رژیم که به واردات انرژی در ادوار گذشته وابسته بوده است، هم‌اکنون برنامه صادرات گاز به مصر و اردن را عملیاتی نموده است. توسعه کنش‌های دیپلماتیک رژیم اشغالگر برپایه روابط انرژی با کشورهای منطقه مدیترانه شرقی و ناحیه خزر هم باعث کاهش امنیت تقاضای گاز جمهوری اسلامی و هم مانع گسترش نفوذ و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی در مناطق مذکور می‌شود.

دیپلماسی انرژی رژیم صهیونیستی تنها بر بعد صادرات گاز متکی نیست بلکه این رژیم برای تأمین نفت خود نیز کنش‌های گسترده‌ای در زمینه دیپلماسی انرژی دارد. به‌عنوان مثال کشورهای ناحیه خزر جزء تأمین‌کنندگان اصلی نفت رژیم اشغالگر به‌شمار می‌روند که این روابط متکی بر مناسبات انرژی باعث افزایش حوزه نفوذ رژیم اشغالگر در این کشورها شده که به‌دلیل همسایگی با ایران از منظر امنیت داخلی برای جمهوری اسلامی مناسب نیست. رژیم اشغالگر اهمیت فوق‌العاده به نفوذ در منطقه قفقاز در مرز جمهوری اسلامی ایران و تعامل با کشور مسلمان با اکثریت شیعه آذربایجان می‌دهد. این رژیم می‌کوشد تا جامعه یهودیان ساکن در جمهوری آذربایجان را

تحت حمایت خود قرار دهد. رژیم اشغالگر با شناسایی منابع انرژی فسیلی و سرمایه‌گذاری گسترده در آذربایجان، به‌دنبال نفوذ اقتصادی و به‌تبع آن نفوذ امنیتی در این کشور است. در این راستا، سران صهیونیست با اولویت نیاز به نفت و مواد اولیه برای توسعه اقتصاد ملی، در بخش نفت آذربایجان حضور فعالی دارند.

علاوه بر این، توسعه صادرات گاز رژیم اشغالگر به کشورهای منطقه از جمله ترکیه باعث کاهش امنیت تقاضای گاز جمهوری اسلامی می‌شود، چراکه ترکیه به‌عنوان یکی از مشتری‌های گاز ایران می‌تواند روی ظرفیت‌های گازی رژیم اشغالگر حساب باز کند و این مانع گسترش نفوذ و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی در منطقه می‌شود و بازار صادرات گاز ایران را به مخاطره اندازد. تهدیدات مختلف روندهای در حال تغییر مورد اشاره به‌ویژه از منظر امنیت اقتصادی قابل توجه خواهد بود.

جمع‌بندی و ارائه راهکار

برخلاف ناکامی رژیم صهیونیستی در دستیابی به ذخائر نفت، تلاش‌های این رژیم طی ۱۵ سال اخیر برای اکتشاف و بهره‌برداری گاز با موفقیت‌هایی همراه بوده است. این مسئله در کنار تلاش موفق برای کاهش شدت انرژی در داخل، قدرت مانور این رژیم در حوزه انرژی را به میزان قابل توجهی افزایش داده است. این مسئله آثار و پیامدهای مختلفی را در مناسبات انرژی ایران در منطقه ایجاد خواهد کرد. در راستای کاهش آسیب‌پذیری امنیت انرژی در گام

حوزه انرژی خیز خزر و خلیج فارس را به هم متصل کند و با رویکردی اقتصادی می‌تواند منابع نفت و گاز خزر را چه به صورت سوآپ یا خرید، در کشور مصرف کند یا معادل آن را به فروشنده در جنوب کشور تحویل دهد. یکی از آثار مهم توسعه استفاده از ظرفیت سوآپ نفت منطقه خزر می‌تواند کاهش صادرات نفت این کشورها به رژیم اشغالگر و به تبع آن کاهش وابستگی اقتصادی این کشورها به رژیم از یک سو و افزایش وابستگی این کشورها به ایران از سوی دیگر باشد. به نظر می‌رسد، سیاست‌گذاری مؤثر در این زمینه می‌تواند امنیت انرژی کشورمان را ارتقا دهد.

منابع

- BMI, Israel Oil and Gas Report, 2020
- Energy Information Administration (EIA), 2020

نخست و امنیت اقتصادی ایران در گام دوم، توجه به نکات زیر ضروری است:

- **تعمیق روابط مبتنی بر انرژی با کشورهای همجوار به منظور کاهش نفوذ رژیم اشغالگر در کشورهای منطقه:** افزایش تولید بیشتر از نیاز داخلی رژیم اشغالگر موجب ایجاد ظرفیت صادراتی گاز طبیعی برای این رژیم شده است. همین مسئله موجب توسعه دیپلماسی انرژی این رژیم با کشورهای منطقه از جمله مصر، اردن، آذربایجان و ترکیه شده است. در واقع، این رژیم حوزه انرژی را بهترین وسیله برای نزدیکی به کشورهای منطقه به‌شمار می‌آورد. نظر به اتمام قرارداد صادرات گاز ایران به ترکیه در سال ۲۰۲۵، این تهدید کاملاً ملموس است که ترکیه در صدد تأمین نیاز گاز طبیعی از مقاصد دیگر از تولید داخلی و رژیم اشغالگر برآید. هرچند این مسئله نیاز به بررسی مجزا دارد، اما روند در حال افزایش دیپلماسی انرژی رژیم اشغالگر قدس یکی از چالش‌های در حال افزایش ایران در منطقه خواهد بود. به منظور کنترل نفوذ رژیم اشغالگر در منطقه، نیاز است کشورمان روابط و مناسبات مبتنی بر انرژی را با کشورهای همسایه از جمله انعقاد قراردادهای همکاری میان‌مدت و بلندمدت در زمینه انرژی در حوزه‌هایی مانند صادرات گاز و توسعه ظرفیت نیروگاهی تعمیق دهد.

- **احیا و افزایش استفاده مؤثر از ظرفیت سوآپ انرژی به‌ویژه از منطقه خزر:** موقعیت ویژه و خاص ژئوپلیتیکی ایران می‌تواند زمینه گسترش همکاری را با کشورهای همسایه خزر به‌وجود آورد و مانند پلی،

